

# سال ۱۴۰۰ و

## توطئه‌های "یارانه‌ای" جمهوری اسلامی

کابوس کرونا و نان در سال ۱۴۰۰

صفحه ۲

صفحه ۴

تکلیف دست کم چهار میلیون کارگر بیکار در سال جدید چیست؟

## گفتارهای کاریابی

طرح "یارانه دستمزد" - از جان کارگران چه می‌خواهید؟

صفحه ۵

صفحه ۶

در مقابل توطئه گفتارهای کاریابی چه باید کرد؟

حق دزدی برای کارگران بیکار جهت تضمین زنده ماندن

صفحه ۷

## کابوس کرونا و نان در سال ۱۴۰۰

این کل مبلغی است که میبایست کفایت معیشت و کرایه و ملزومات زندگی را تامین کند و افراد ذینفع را در خانه نگه دارد. باید بخاطر داشت مدت اعتبار این یارانه فقط چهار ماه را شامل میگردید. بوی تعفن و دشمنی با مردم زحمتکش از سر روی این طرح و مبتکران آن میبارد. حقوق ماهانه یک وزیر یا نماینده مجلس (بین صد تا صد و چهل میلیون تومان) دست کم هزار برابر پرداختی به هر نفر از مشمولان طرح است.

در طرح بیمه بیکاری کرونا وضع بهتر از مورد قبلی نیست. اگر حتی مطابق رقم سر تا پا دروغ رسمی، تعداد بیکاران را چهار میلیون نفر بپذیریم، و باز اگر محاسبات مرکز پژوهش مجلس دال بر تعداد دو میلیون شغل از دست رفته ناشی از کرونا را هم قبول کنیم، با این حساب طرح بیمه بیکاری کرونا را چه چیزی کمتر از یک طرح دشمنی آشکار با دست کم شش میلیون خانواده کارگری آن جامعه و پرتاب آنها به دامن مرگ و گرسنگی و استیصال میتوان نامید؟ جیره خوران دولتی و رسانه ها با تمام تلاش رسوا و بازی با اعداد چاره ای بجز پذیرش واقعیت خفت آور طرح دال بر شمول بطور متوسط سیصد هزار نفر، معادل 50 درصد دستمزد پایه و برای چهار ماه نداشتند.

### تداوم بازی یارانه‌ای با زندگی مردم

تا آنجا که به محاسبات و نقشه های دولتی مربوط میشود، در بطن یک اقتصاد فلج و بحران زده، در دل بیکاری عظیم و افسار گسیخته، و در دل سقوط آزاد شهرها در میان "پیک های" تازه تر؛ بازی "یارانه ای" با زندگی، هست و نیست، و با حرمت توده زحمتکش سیاست اصلی را رقم خواهد زد. در غیاب مقاومت توده های مردم، بودجه سال 1400 و چشم اندازهای آن آبستن دشمنی بیشتر حکومت با مردم زحمتکش است.

مطابق محاسبات بودجه و نقشه عمل دولت سال 1400 دو مورد یارانه نقدی و یارانه معیشتی بنزین در هم ادغام خواهد شد و بدین ترتیب حمله "یارانه ای" جمهوری اسلامی به کارگر و زحمتکش جامعه با شتاب و قدرت بیشتر ادامه خواهد یافت. این حمله جنایتکارانه است. سطح زندگی تحتانی ترین بخش های جامعه را به قعر فقر میبرد و هر گونه امکان دفاع را از آنها سلب میکند. جزئیات بودجه ای طرح یارانه ها گویا است و جای تردید باقی نمیگذارد.

همه آمار و شواهد و شاخص های بودجه گویای دور جدیدی از کابوس کرونا و معیشت در ایران است. ایران با آمار افزایش روزانه هفت هزار ابتلای جدید به بیماری کرونا، پا به سال 1400 گذاشت. بجز توصیه های عمومی اثری از اقدامات عملی نه برای جلوگیری از شیوع بیشتر و نه برای درمان مبتلایان بچشم نمیخورد. دهها شهر در رنگهای قرمز و نارنجی غوطه میخورند و بیمارستانها از فشار مراجعین و ناتوانی در ارائه خدمات از پا میافتند. هیچ چشم اندازی از واکسن توده ای مردم در دست نیست و در عوض معیشت شلاقی است که هر روز مردم زحمتکش را در مرکز تولیدی و در صف نان و مایحتاج با کت بسته به کام بیماری و مرگ میفرستد.

شروع سال جدید مصادف با حذف "یارانه ویژه کرونا" گردید و بعلاوه بر طرح "بیمه بیکاری کرونا" نقطه اتمام گذاشته شد. این دو طرح با اختصاص مبلغ ناچیز و دایره شمول بخش کوچکی از مردم نیازمند، چیزی بیشتر از یک اقدام بیشرمانه و دهن کجی به جان شهروندان نبودند. یادآوری جزئیات این دو طرح، هریک بنوبه خود برای ثبت فجایع بزرگ تاریخی کفایت میکند.

### متن طرح "یارانه معیشت کرونا":

- 1- به افراد تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی (معادل هفت میلیون نفر) هر نفر ماهیانه 120 هزار تومان پرداخت شود.
- 2- به سایر افراد (معادل 25 میلیون نفر) با دارا بودن مشخصات زیر ماهیانه 100 هزار تومان پرداخت خواهد شد.

افرادی که هیچ یک از اعضای خانواده آنها حقوق دریافت نمی کنند، افرادی که هیچ یک از اعضای خانواده آنها بیمه پرداز نباشند، افرادی که اعضای خانوارشان طبق شاخص های بانکی از درآمد حداقلی برخوردار نباشند و افرادی که در گروه یارانه معیشت بگیر باشند.

("واریز آخرین یارانه معیشتی"، اقتصادنیوز، 25 اسفند 99)

**نان، مسکن، تندرستی و حرمت انسانی حق بدون قید و شرط همه آحاد جامعه است. قلاده زدن سود و بهره کشی سرمایه، انحلال خیل عظیم سرکوب و توجیه نظام بردگی، کنار زدن مشتی از تفاله های ارتجاع و فساد از سرنوشت جامعه و سپردن سگانهای قدرت بدست نمایندگان شوراهاى مردمی سرعترین راه نجات از مرداب اسلامی سرمایه است**

ادامه کابوس .....

اول، یارانه معیشتی: این "یارانه" در حقیقت ما به التفاوت گرانی بنزین است که دولت از جیب مردم به سرقت میبرد، این یارانه را اعتراضات خیابانی آبان ماه به جمهوری اسلامی تحمیل کرد.

دوم، یارانه نقدی: که بنوبه خود از حذف سوبسید کالاهای اساسی از جیب خود مردم تامین میشود.

سوم و مهمتر از هر چیز، در میان غنجه های باد افتاده هرزگی، معماران بودجه قادر به پنهان کردن یک مصوبه "کوچک" نیستند که بودجه افزایش کذایی یارانه ها از تغییر سوبسید دولتی دلار از 4200 تومان به 17500 تومان تامین خواهد شد و این همان دلارهایی است که میبایست تامین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم زحمتکش را تضمین کند. در عمل بخش اساسی آن به کیسه ارتشاء باندهای حکومتی رفت. از این پس قرار است با افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز معادل حداقل چهار برابر، مردم زحمتکش تاوان بیشتری پس بدهند.

حق حیات شهروندان و توطئه های "یارانه ای" جمهوری اسلامی

کرونا با همه ظرفیت های مهیب و کشنده خود به فرصت کمتر از شش ماه نیاز داشت که "اتهامات" نامربوط را از دامن خود پاک کند. کرونا این فرصت را یافت. امروز هیچ کس نمیتواند کتافات و پلیدی ذاتی نظام حاکم سرمایه داری در قبال تباهی های منتسب به کووید 19 را پنهان دارد. این نظام میلیونها نفر را با دریغ از چتر معیشتی و امنیت اجتماعی لازم، قربانی ابتلا به کرونا ساخت، درب امکان معالجه بر آنها را بست، و سراسیمه جنازه ها را با کيفرخواست آنها یکجا زیر تل خاک و آهک پنهان کرد.

طبقه حاکم در ایران بدون نیاز به کوچکترین زحمت، دستاویز یارانه ها را در اختیار داشت. خود را به آن آویخت. "یارانه ها" بزرگترین فاجعه انسانی تاریخ جامعه را به یک کلاشی حیرت آور تبدیل ساخت، جنون سود جویی را به مرزهای ناشناخته جلو راند. "یارانه ها" قبل از آنکه نقش کمک قابل توجهی به معیشت مردم نیازمند را ایفا کند، به بهانه و دستاویزی برای حمله به موقعیت و توقعات مردم قربانی تبدیل شده است. "یارانه ها" یک پدیده آکادمیک اقتصادی نیست، "یارانه ها" دردانه فکری و ایدئولوژیک بورژوازی ایران در به خط کردن طیفی از پادوهای تازه بدوران رسیده در توجیه کثیف ترین مظاهر استثمار و محرومیت علیه ده ها میلیون مردم زحمتکش است که بین تسلیم و یا سرکوب خونین، راه خود را انتخاب کنند.

میتوان تاریخ "یارانه ها" را از نظر گذراند. "یارانه ها" یعنی حمله به توقعات مردم زحمتکش، یعنی تحقیر نیازهای اساسی مردم در مقابل یک پول سیاه، یعنی کیسه تازه ای برای حمله به دستمزدها و دریافتی ها، یعنی روش تازه ای در جبران کسر بودجه ها.

کرونا بورژوازی ایران، جمهوری اسلامی و خیل قبيله اقتصاد

سیاسی خود را "بالغ" و منسجم کرد. این بلوغ نمیتوانست مهر "یارانه ها" را بر خود نداشته باشد. دو قطبی بورژوازی ایران، چه با اطوارهای های فرعونانه و منت های صدقه منشانه و چه با سببیت نئولیبرالی، بر یک وحدت و انسجام قدیمی و شناخته شده استوار است. آکادمی ها، ستون های اقتصادی رسانه ها، افاضات کارگر پناهی، اطوار نمایندگی و انتخاب مردم و ... همه اینها جز با اوین و جز آغشته به خون صف آگاه و معترض طبقه کارگر از کوچکترین ارزشی برخوردار نیست.

طبقه کارگر در ایران نه فقط کرونا و عواقب ویرانگر آن بلکه تشبثات جنایتکارانه "یارانه ای" بورژوازی حاکم را به سال جدید و قرن جدید یدک میکشد. طبقه کارگر با خواست تامین شایسته زندگی شهروندان، با پافشاری بر حق حیات انسانی پرونده خفت آور "یارانه ها" را خواهد بست. طبقه کارگر "یارانه ها"، فریب "یارانه ها"، دزدی "یارانه ها"، تخطئه "یارانه ها" و کشتار "یارانه ها" را پایان خواهد بخشید. این کار ابداء دشوار نیست. وقتی پای اولین بارقه های حق طلبی مراکز قدرت باز شود، دستهای کثیف از پرونده های موسوم به "یارانه های سیاه" قطع شود، ورق بر خواهد گشت. یک نمونه از خروار:

یارانه های سیاه که در قالب قیر، سیمان، فولاد و خودروی ارزان به عده ای خاص داده می شود بیش از 12 برابر کل یارانه نقدی سالانه کل مردم است که با لحاظ دلار 4200 تومانی بیش از 22 برابر کل یارانه نقدی سالانه یارانه بگیران می شود ( یارانه به نورچشمی ها، تسنیم نیوز، 15 بهمن 1399)

نان، مسکن، تندرستی و حرمت انسانی حق بدون قید و شرط همه آحاد جامعه است. قلاده زدن سود و بهره کشی سرمایه، انحلال خیل عظیم سرکوب و توجیه نظام بردگی، کنار زدن مشتی از تفاله های ارتجاع و فساد از سرنوشت جامعه و سپردن سکانهای قدرت بدست نمایندگان شوراهاى مردمی سریعترین راه نجات از مرداب اسلامی سرمایه است. تنها یک مبارزه سراسری و متحد دستمزدها کافی است که پرونده هنبونه چرکین یارانه ای را فوراً در هم بیچد.



## تکلیف دست کم چهار میلیون کارگر بیکار در سال جدید چیست؟

جمعیت بیکاران بخش هرچه بزرگتری از طبقه کارگر ایران را در خود جا میدهد، بیکاری بخش هر چه بیشتری از عمر و زندگی کارگران را در بر میگیرد، و به همان نسبت مبارزه و مصاف با بیکاری با توقعات و واقعیات زندگی هر کارگر عجین میشود.

طبقه کارگر در ایران تشنه یک جنبش قدرتمند علیه بیکاری است. طبقه کارگر نمیتواند در گرداب مسخره یارانه ها و طرح های مسخره تر بیمه های کذایی بیکاری زیر بار تامین زندگی جمعیت فزاینده میلیونی بیکاران کمر راست کند. بیکاری در غیاب یک سنگر بندی فعال تبدیل به یک هیولا شده است که بر هستی بخش شاغل به همان اندازه که بر بخش بیکار طبقه چنگ انداخته است. جنون اسلامی سرمایه جای هیچ تردیدی را بجا نگذاشته است که کارگران نمیتوانند در هیچ عرصه و برای هیچ یک از حقوق و خواسته های خود چشم بدست سرمایه داران و دولت بدوزند، کارگران نباید تصور کنند که سهم آنها همانقدر است که بورژواها در هر قدم مبارزه ما به آن تن میدهند.

بیکاری عرصه ای از کشمکش های طبقاتی است که جمهوری اسلامی آشکارا زنده ماندن ما کارگران را به مبارزه فوری و مستقیم ما گره زده است. علیه بیکاری جنبشی است نمیتواند و نمیخواهد بیش از این به هر خفت و زبونی تن دهد، این جنبشی است که از همان گامهای نخستین قوانین و قواعد و پیش فرضهای سلطه بورژوازی را به سخره خواهد گرفت، و با خواست "کار یا بیمه بیکاری" بزرگترین صف اتحاد کارگری را بسیج خواهد کرد.

اگر بودجه سال 1400 را شاخص اقدامات و برنامه های دولت فرض بگیریم، هیچ و مطلقا هیچ تکلیفی در دستور دولت در قبال زندگی کارگران قرار ندارد. این بخودی خود اتفاق تازه ای نیست. دولت هیچ وقت، هیچ وظیفه ای در مقابل زندگی بیکاران برای خود قائل نبوده است. وجود چهار میلیون کارگر که برای احقاق حقوق خود دست به اعتراض زده، و دولت را تحت فشار قرار نداده است، بخودی خود به نفع سرمایه داران است چرا که آنها را قادر میسازد فشار کار و تهدید اخراج را بر بخش شاغل طبقه افزایش دهند.

چشم اندازهای اقتصادی بر تداوم بحران اقتصادی و افزایش تعداد بیکاران حکایت دارند. پیش بینی های مرکز پژوهش های مجلس فقط یک نمونه از خروار است که افزایش دست کم دو میلیون نفر بر جمعیت بیکار را نشان میدهد. در مقابل هیچ گونه پیش بینی برای بودجه اختصاصی جهت بیمه بیکاری این جمعیت وجود ندارد. این بخودی خود جای تعجب ندارد. مساله بیکاری اگر برای کارگران بیکار به معنی فقر و خانه خرابی است، برای سرمایه داران تنها معضل بخشی از ارتش کار است که فعلا به آن نیازی نیست، و باید برای هر گونه امیدی به تامین زندگی خود و خانواده پشت میله های کارخانه صف ببندد، سماجت بخرج دهد و پیه هر رقابت و تنه زدن به هم سرنوشت های دیگر را به تن بمالد. منطق کارکرد این نظام حکم میکند شرط برخورداری کارگر از نان و مسکن و سلامتی در سود خالص است که بدوا در کیسه سرمایه انباشته است. در این منطق کارگر بیکار آدم نیست، از حق زندگی برخوردار نیست.

**علیه بیکاری جنبشی است نمیتواند و نمیخواهد بیش از این به هر خفت و زبونی تن دهد، این جنبشی است که از همان گامهای نخستین قوانین و قواعد و پیش فرضهای سلطه بورژوازی را به سخره خواهد گرفت، و با خواست "کار یا بیمه بیکاری" بزرگترین صف اتحاد کارگری را بسیج خواهد کرد.**

## کفتارهای کاریابی

### طرح "یارانه دستمزد" - از جان کارگران چه میخواهید؟

مثل همیشه بخش مهمی از "اشتغال" کذایی مورد ادعا چیزی جز ساخت و پاخت مامور اداره کار با کارفرما نیست. "بیکاری" نه معضل کارفرمای ایرانی است و نه معضل وزارت کار. بیکاری برای هر دو نعمت است، یک دکان و یک کیسه تیغ زدن جامعه است. لازم نیست سری به بیغوله های باصطلاح تولیدی مورد بحث بزنید، ذوق زدگی و لب و لوچه آویزان مشترک دولتی ها و کارفرما حول دستمزدهای زیر خط فقر خود باندازه کافی گویای ایام لجن جاری است.

برای نزدیک شدن به هسته اصلی تحفه های کارآفرینی در این سرزمین اجازه بدهید بیاد بیاوریم همزمان چندین شهر ایران از سنجند تا اهواز زیر فشار فاضلاب خفه شدند، هزاران هزار دانش آموز از سقف ساده مدرسه محروم ماندند، کودکان محروم بلوچستانی در سفر روزانه آب آشامیدنی در نیمه راه توسط تمساح بلعیده شدند، کمر بیمارستانها و مراکز تولیدی زیر فشار کار و اضافه کاری پرسنل شکست، وزارت کار از فرط فقدان بازرسی کنترل محیط های جهنمی کار خود عملا و رسما به یک شریک مافیای بهره کشی محیطهای کار تبدیل شده است ...

اجازه بدهید بپرسیم آیا فراست و شرافت زیادی لازم بود تا راه بهتری برای بهره گیری از نیروی کار جوانان تحصیل کرده را به ذهن کفتارهای کاریابی این مرز و بوم متبادر سازد؟

در میان توطئه ها ضد کارگری جمهوری اسلامی طرح یارانه "دستمزدی به کارفرما" یک سر و گردن از بقیه بالاتر است.

مطابق این طرح در مقابل اشتغال یک کارجوی جوان و تحصیل کرده، وزارت کار تا میزان سی درصد دستمزد فرد مربوطه را بعهده میگیرد. جذبه این طرح نه در خود سی درصد اهدایی بلکه اساسا در دلالتی مستقیم وزارت کار در بکارگیری یک نیروی کار جوان تحصیل کرده با دستمزد حداقل نهفته است. نیش تا بناگوش باز کارفرمای مربوطه در حال دریافت مدال طلای افتخار میهن پرستان جبهه "جهش تولید" حالتان را بهم میزند. اما در همان ستون روزنامه و در تصویر مجاور، ژست فکاهی پیروزمندان جناب کارچاق کن وزارت کار و یا نماینده مبتکر مجلس برای چیست؟!

دولت ابزار اعمال اراده طبقه حاکم است؛ این حکم در مورد جمهوری اسلامی نیازی به اثبات ندارد. فراتر از همه چیز، جمهوری اسلامی عصاره کینه عمیق طبقاتی بورژوازی نسبت به کارگر جامعه است. سر تا پای این حکومت، از وزرا تا وکلا، از خانه کارگر تا تالار بورس، از رهبر تا گروهبان واحد سرکوب در خدمت براه اندازی سودآوری بنگاه های ننگین سر از پانمیثناسند. خوش خدمتی چاپلوسانه و کرنش و سجده بوروکراسی در آستان "کار آفرینان" نه بخاطر نفس تعالی تولید و هذیانهای "جهش تولیدی" بلکه در اسکناس های چرکین و چروکیده ای است که سر از جیب خودشان درمیآورد.

**نیروی اعتراضی میلیونها بیکار جامعه باید جلوی جامعه ابراز وجود کند. باید سرپیچی کند،**

**باید یقه بگیرد و گلاویز شود، باید به سیاق جوانان آزاده بیکار دکان کفتارهای کاریابی را**

**تخته کرد و با پرچم "کار یا بیمه بیکاری" روزگار را بر کارفرما و اداره کار سیاه کرد.**

## در مقابل توطئه کفترهای کاریابی چه باید کرد؟

دوم؛ امر ما کارگران حل مساله بیکاری نیست. امر ما خشکاندن ریشه های بیکاری است. این شدنی است، سر راست است و این وظیفه ما کارگران است...

ما درب کارخانه ها را بسوی خیل عظیم بیکاران باز خواهیم کرد، سود جویی و استثمار را افسار میزنیم، اخراجها و اضافه کاری و طرحهای بردگی کاریابی را متوقف خواهیم ساخت...

ما نیروی عظیم کار را در راه ایجاد مسکن، بیمارستانها، راه ها، مدارس، مراکز تفریحی و آسایش سالمندان و ... بکار خواهیم گرفت...

ما موسسات دولتی، دستگاه سرکوب و بنیادهای مذهبی را تعطیل میکنیم و دهان یاهو گویی علیه کارگران را گل خواهیم گرفت...

سوم؛ طبقه حاکم در ایران کور خوانده است. میلیونها کارگر فقط به "جرم" بیکار بودن، مرغ عزا و عروسی حاکمیت فاسد آنها نخواهند شد. کارگران اگر قرار باشد مرگ را بپذیرند، مرگ با گلوله را بر مرگ از گرسنگی و خفت، مرگ بر اثر سوانح کار در بیغوله های تولیدی و قتلگاه های معادن ترجیح خواهند داد.

و در این راه، امر روزمره ما ایجاد بزرگترین اتحاد میان کارگران برای مقابله با عوارض بیکاری، ایجاد تعاونی ها و همکاری در میان شاغلین و در محلات است. امر ما این است که توطئه های عاملین مصیبت بیکاری دامن ما را نگیرد. بیکاری جرم نیست. ابراز وجود شارلاتانهای تبلیغات کثیف علیه بیکاران است که باید "جرم" به حساب بیاید.

مهمتر از هر چیز نیروی اعتراضی میلیونها بیکار جامعه باید جلوی جامعه ابراز وجود کند. باید سرپیچی کند، باید یقه بگیرد و گلاویز شود، باید به سیاق جوانان آزاده بیکار دکان کفترهای کاریابی را تخته کرد و با پرچم "کار یا بیمه بیکاری" روزگار را بر کارفرما و اداره کار سیاه کرد.

باید ایستاد. باید مقاومت کرد. باید متحد شد. دست به تعرض زد.

باید شرافت کار و کارگری در مقابل ترکمون اسلامی سرمایه دست بالا پیدا کند، و این دست کارگران بیکار در ایران را میبوسد.

همین الان جو مقاومت بسیار ارزشمندی در میان بیکاران وجود دارد که به شرایط تحقیر آمیز وزارت کار و کاریابیها تن ندهند. قدر این مقاومت را باید دانست، جار زد و به آن افتخار کرد. کسانی که در شرایط دردناک بیکاری اما تن به بیگاری نمیدهند و آنرا عار میدانند از سربازان پر ارج امر طبقاتی کارگری در جامعه ما هستند. چراغ جادو، و کشف و کشف خارق العاده لازم نیست، بر علیه بیکاری باید همین مقاومت را تقویت کرد و گسترش داد:

اول؛ جمهوری اسلامی بزرگترین آپارات بیکار سازی کارگری در ایران است.

مطابق یک نقشه آگاهانه کارگر بنا به تعریف یک فرد بیکار بحساب میاید که تحت سرپرستی مستقیم دولت دائما از هر گونه حقوق و ادعای کارگری خلع میشود. دولت در ایران یک بنگاه کاریابی در مدیریت سی میلیون نفره کارگر است که نیروی کار را با نازل ترین شرایط در اختیار بردگی واحدهای تولیدی قرار میدهد. این کارگر حتی در اشتغال چندین و چند ساله توسط انواع قوانین و قراردادهای در پرتگاه اخراج قرار دارد. در حالی که هیچ امکان قانونی مانع قدر قدرتی بلامنازع کارفرما در اخراج کارگران وجود خارجی ندارد، در عوض کوچکترین مبارزه و اعتراض به سرعت دادگاه های صحرایی زمان جنگ، با بسیج گماشته های سرمایه در قوه قضائیه و با سرکوب و شلاق مجازات میشود. دست آخر نباید قانون بیمه بیکاری را از قلم انداخت. این قانون با سهمیه بندی 218 هزار در سراسر کشور، و با دخالت کارفرما و تصمیم دلخواه مامورین وزارت کار، از بالای سر کارگر؛ در عمل هر گونه توهم و امید به بیمه بیکاری را لگد مال میسازد.

**امر ما کارگران حل مساله بیکاری نیست. امر ما خشکاندن ریشه های بیکاری است. این شدنی است، سر راست است و این وظیفه ما کارگران است... ما درب کارخانه ها را بسوی خیل عظیم بیکاران باز خواهیم کرد، سود جویی و استثمار را افسار میزنیم، اخراجها و اضافه کاری و طرحهای بردگی کاریابی را متوقف خواهیم ساخت...**

**ما نیروی عظیم کار را در راه ایجاد مسکن، بیمارستانها، راه ها، مدارس، مراکز تفریحی و آسایش سالمندان و ... بکار خواهیم گرفت...**

## حق دزدی برای کارگران بیکار جهت تضمین زنده ماندن

بیانیه مصوب نمایندگان تشکل های بیکاران در بوستون - ایالات متحده امریکا

ماه مارس 1914

بدین ترتیب فرد مزبور از دایره حمایت ها و مراقبت جامعه محروم میشود. این بمعنای لغو شمول قوانین است و بنوبه خود فرد مزبور را از رعایت قوانین و مقررات جامعه معاف میسازد.

فرد بیکار مجبور میشود برای تامین زندگی تنها به نیروی خود متکی گردد.

در چنین شرایطی هر فرد بیکار حق دارد غذا و سر پناه و هر چه را که برای سلامتی خود و خانواده او ضروری است را بدزدد.

ما تاکید میکنیم که این فقط در ظاهر امر دزدی به نظر میرسد. در واقع جامعه است که فرد را برای تامین زندگی مجبور به دزدی کرده است و دزد در این میان خود جامعه است. جامعه نمیتواند کسی را از حق حیات محروم سازد، در غیر اینصورت باید عواقب آن را در شورش و در انقلاب مردم بپذیرد.

حق حیات انسان بر قوانین من در آوردی و حریماته یک اقلیت ناچیز سود جو مقدم است.

این بیانیه با رای موافق همه شرکت کنندگان بجز یک رای مخالف به تصویب رسید.

ماه مارس 1914

ما کارگران بیکار در بوستون

از آنجا که: تجربه نزدیک بما نشان داده است که سرمایه داران نسبت به رنج های ما سنگدل هستند و آنها ترجیح میدهند نظاره گر فقر و درماندگی ما باشند تا سهم ناچیزی از کیف های پر از پول خود را صرف ایجاد فرصت های شغلی نمایند؛

از آنجا که حقایق گویای آن است که ثروتمندان سلامتی سگ های خود را به وضع ناگوار کارگرانی که ناچاراً شب را در پارکها بسر میبرند و غذای خود را از سطل های زباله جستجو میکنند، ترجیح میدهند؛

از آنجا که شاهد هستیم سرمایه داران ثروت حاصل کار ما را در عیاشی ها و میزهای قمار بر باد داده و از کنار رنج ما و خانواده هایمان بی تفاوت میگذرند؛

بنا بر این در این اجلاس خط مشی اخلاقی جدیدی را در پیش میگیریم. ما اعلام میداریم:

برخورداری از کار حق مسلم و انکار ناپذیر هر فرد در جامعه است؛

محرومیت از کار بمعنای آن است که او از ابزار تامین زندگی محروم شود و این چیزی جز سرقت زندگی انسانها نیست؛

سلب حق کار بمعنای ارتکاب به قتل از طرف جامعه میباشد؛

### نشریه علیه بیکاری

مدیر مسئول: سیوان رضایی

سر دبیر: مصطفی اسدپور

تماس: آدرس ایمیل

[info@a-bikari.com](mailto:info@a-bikari.com)

مقالات این شماره توسط مصطفی اسدپور نوشته شده است. استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

## از انتشارات

علیه بیکاری

WWW.A.BIKARI.COM

